

بخاطر حمله اخیر ارتش جنایتکار
امپریالیزم امریکا و ناتو
به ولایت هلمند
و کشتار انسانهای های بی گناه و بی دفاع

کبیر توخی
(2010/2/16)

جوانی با احساس و قدرشناس و وطن دوست که من به دوستی وی ارج می گذارم ، ضمن احوال پرسی با هیجان و ناراحتی اظهار داشت : " کاکا اخبار را شنیدی اینبار حملات بی سابقه ای بر هلمند کرده اند ... " [من از این جوان ابراز تشکر می نمایم که مرا متوجه این خبر ساخت] . با تأسف فراوان ، به نسبت مریضی ، چند روزی از شنیدن و دیدن اخبار کشور و جهان دور بودم . بر مریضی غلبه کرده ، کمپیوتر را روشن نمودم و اخبار کشور را مرور کردم ... [« این عملیات بامداد روز شنبه، 24 دلو/بهمن در منطقه مارجه و نادعلی، در مرکز ولایت هلمند ... در آن جا آغاز شد. در این عملیات ۱۵ هزار سرباز افغان و ناتو با حمایت هوایی شرکت کرده اند. »] از مطالعه حمله ناتو و شرکاء به هلمند تنم دچار ارتعاش گردید . سوزشی در قلب دردمندم احساس کردم، و به این فکر اندر شدم :

از آن روزی که امپریالیزم جنایتکار و غارتگر امریکا، طرح تجاوز و اشغال افغانستان را روی دست گرفت و دو برج بلند قامت نیویارک را مخفیانه و دور از نظر باشندگان آن، دینامنت گذاری کرد و آنها را با شماری از مردم بیگناه منهدم نمود . تصادم دو بال طیاره به آن دو برج و فرونشست آنها بهانه و دست آویزی برای کوبیدن طالبان و تروریزم قرار داد و به افغانستان سوخته و زخمی تجاوز نمود ؛ تا کنون هشت و نیم سال از آن تاریخ منحوس و ننگین سپری شده است . در درازنای این مدت، قوای جنایتکار این کشور و شرکایش به کشتار هزاران انسانهای بیگناه و بیدفاع و تخریب طبیعت کشور ، گرفتاری و تحقیق و شکنجه های وحشیانه هزاران افغان مظلوم و بی گناه دست یازیده است . ساختمان پایگاه های نظامی اشرا در سراسر افغانستان گسترش داده ، و زندانهای

مدهش و مخوف (پیدا و پنهان) را در کشور با مصرف ملیون ها دالر اعمار کرده است . اگر به دقت به گراف کشتار های دسته جمعی مردم بیچاره و درمند و بیدفاع کشور توسط قوای اشغالگر امریکا نگاهی انداخته شود ، در طول این مدت شاخص های زیاد و نقاط عطف بی مانندی از این کشتار های دسته جمعی مشاهده می شود که حمله پلان شده ناتو و قوای جنایت پیشه امریکا در صبح شنبه یکی از مدهش ترین و بیرحمانه ترین کشتار هایی است که تا کنون به آن دست یازیده است .

برای تصور و تجسم پهنا و گستره ی قساوت و کشتار - این حمله چنگیزی جنایتکاران امریکا و ناتو - به اخبار پخش شده در همین زمینه توجه نمائیم :

» * - "ژنرال سر دیوید ریچاردز، رئیس ارتش بریتانیا گفته است که عملیات تهاجمی بزرگی که قرار است در افغانستان آغاز شود نقش کلیدی در تعیین زمان خروج نظامیان بریتانیا از افغانستان خواهد داشت. "

* - "حدود چهار هزار سرباز بریتانیایی در عملیات مشترک، شرکت خواهند داشت. "

* - " ژنرال ریچاردز گفت: "این کار ماست که این خطرات را کاهش دهیم و با این که من مستقیما در نقشه ریزی تاکتیکی دست ندارم، مانند هر کس دیگری که در مقام من بود، خود را قانع کرده ام که طرح های نظامی در نظر گرفته شده، عالی است، سربازان به خوبی آموزش دیده اند، امکانات و وسایل همه فراهم شده است و من به توان فرماندهان مسئول، از سطح سرجوخه گرفته تا ژنرال، ژنرال استنلی مک کریستال که مسئول اجرای این عملیات است، اطمینان کامل دارم. "

* - " ناتو می گوید : عملیات بزرگ هلمند چهار مرحله ای خواهد بود و حالا مرحله اول آن یعنی مرحله شکل گیری، آغاز شده است. "

* - " به گفته آدام بروکس خبرنگار بی بی سی در واشنگتن این عملیات اهمیت سیاسی زیادی نیز دارد زیرا بزرگترین تهاجمی است که در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما انجام می شود. "

* - " باراک اوباما در دسامبر گذشته پس از ماهها مطالعه و مشورت سرانجام تصمیم گرفت که ۳۰ هزار نیروی بیشتر به افغانستان اعزام کند. "

* - " ژنرال استنلی مک کریستال، فرمانده ناتو در افغانستان گفت: "ما عمیقا از این تلفات تراژیک متأسفیم. "

* - " در همین حال ژنرال نیک کارتر، فرمانده نیروهای بریتانیایی در افغانستان به بی بی سی گفته است این عملیات اولین آزمون بزرگ برای استراتژی جدید باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در افغانستان است. "

* - " ژنرال سر دیوید ریچاردز گفت باور دارد که دستاوردهای مثبت "عملیات مشترک" چشمگیر خواهد بود. "

* - " او گفت انتظار دارد سربازان بریتانیایی تا چند سال در افغانستان بمانند اما موفقیت این عملیات تهاجمی تعیین خواهد کرد این تعهد تا چه مدت خواهد بود. "

* - " این عملیات، که بزرگترین عملیات نظامی از زمان اولین جنگ خلیج فارس توصیف شده است، توسط ارتش افغانستان طراحی شده است. "

* - " فرانک گاردنر، گزارشگر بی بی سی در امور امنیتی در گزارشی از قندهار، به نقل از ژنرال کارتر آورده است که عملیات مشترک با عملیات نظامی که قبلاً علیه طالبان در افغانستان اجرا شده، متفاوت است. "

* - " ژنرال کارتر گفت برای اولین بار سربازان افغان در صف اول برنامه ریزی های نظامی هستند و به دنبال این برنامه ریزی شمار کثیری از ماموران پلیس که تازه آموزش دیده اند با حمایت نیروهای ائتلاف وارد میدان می شوند. "

* - " فرمانده نیروهای بریتانیایی در افغانستان در گفتگو با بی بی سی افزوده است اما چون نیروهای ائتلاف از وجهه پلیس افغان که برخی اوقات غیر قابل اعتماد است، خبر دارند، عملکرد آنها تحت نظارت خواهد بود. " . >>

بلی خواننده ی بادر که از این کشتار دسته جمعی هم وطنانت توسط امپریالیزم غدار امریکا و شرکاء قلب پر مهرت به درد آمده ، بدرستی آگاه هستی که اداره استعماری بنام "دولت" - شکل کارتونیک گرفته - و سازمان سیا یکتن از اعضایش را که در بی غیرتی و منفعت جویی و فروش کشور در تاریخ استعمار جوهر ندارد، در رأس آن گمارده است ، چنین " دولت " ای توانمندی پاک کردن بینی اش را بدون اجازه سازمان C I A ندارد ، حال بخوان که استعمار چطور برایش هویت مستقل تراشیده است : >> این عملیات، که بزرگترین عملیات نظامی از زمان اولین جنگ خلیج فارس توصیف شده است، توسط ارتش افغانستان طراحی شده است. >> . به اصطلاح "ارتش افغانستان" توانمندی چنین طرحی را [حمله استراتژیک نظامی پیچیده و طولانی که کاربرد

مدرنترین سلاح جنگی مجهز با ساز و برگ تکنولوژی بسیار پیشرفته نظامی اساس عملیات آن میباشد] ابداً ندارد. این دیگر هویت دادن و به نمایش گذاشتن "قدرت" و "توانمندی" اجیران و جیفه خواران پرانچه شده ی افغانی اش است که از باند های رهن جاهدی بریده و یا، بنابر دستور آن باند ها به درون به اصطلاح "ارتش افغانستان" نفوذ کرده اند و نظامیان امریکایی و ناتویی از وجود شماری از آنان در قوای پولیس و ارتش پوشالی شکایت داشته و ادعا کرده اند که در جنگ مراقب آنان می باشند. امپریالیزم بنابر اعتراض بخشی از جامعه امریکا و به سبب بقتل رسیدن سربازان امریکایی، و تزلزل و کم دلی و جان دوستی عساکر امریکایی که برای منافع شخصی و منافع امپریالیزم با تردد و دو دلی می جنگند و مردم مظلوم و فقر زده ی مارا از دم تیغ میکشند، در این جنگ افغان های اجیر شده را پیشقروال و سر صف عساکر خود و ناتو ساخته، سیاست کشتن افغان توسط افغان را با این شگرد استعماری دنبال نموده، تضاد های فی مابین ملیت ها و اقوام باهم برادر کشور را بعدی تازه ای می بخشند. در یک عکس تاریخی که از سالیان متمادی آن را نزد خود نگهداشته ام، در پائین صفحات خواهیم دید که امپریالیزم کهنه کار انگلیس چطور عساکر هندی تبار را به افغانستان و از جمله شهر هرات گسیل داشته در جنگ های استعماری اش با افغان های آزادخواه بدینگونه از تلفات نیروی های انگلیسی تبار خود خواسته جلوگیری نماید.

و حال درنگی بر این گفتار مزورانه می اندازیم: « ژنرال استنلی مک کریستال، فرمانده ناتو در افغانستان گفت: "ما عمیقاً از این تلفات تراژیک متاسفیم." (؟!)

هزاران ننگ و نفرین بر این تأسف کننده باد! در کشور های این جنایتکاران، زمانی که گربه و یا سگی شان به سر درخت و یا بر بام خانه ای بالا میشود، بمجرد شنیدن صدای صاحبان آن حیوانات، تیم آتش نشانی بیدرنگ با ساز و برگ خود در محل حاضر شده با زینه های مخصوص آتش نشانی بر بالای آهنبوش تعمیر و یا بر بلندای درخت بالا می شوند و آن گربه و یا سگ دست آموز را پائین می آوردند. چینل های تلویزیون که از هر دقیقه اعلان کالا های قابل عرضه و نمایش آن بر روی پرده تلویزیون به هزارها دالر و یورو و پوند می گیرند، شعبه مسئول که از سراسر جریان پائین آوردن سگ و پشک و اضطراب صاحب آن فلم برداری نموده آنرا در تلویزیون بنمایش می گذارد که بعضاً تا نیم ساعت وقت را نمایش پائین آوردن آن حیوان احتوا می کند. همسایه ها و گروه آتش نشانی صاحب سگ و پشک را بخاطری اینکه حیوانش در معرض خطر قرار گرفته و وی از این ناحیه دچار اضطراب و دلهره شده؛ نوازش و دلداری می دهند! حالا به این آدمکش (جنرال استنلی مک کریستال) بی رحم و متجاوز که برای بقای سیستم سرمایه داری و خواسته های نظامی - سیاسی امپریالیزم دست به جنایت مدّش و کشتار های دسته جمعی در افغانستان می زند، بنگرید که چسان بعد از بمباران مناطق مسکونی و کشتار ده ها نفر؛ حتا صد ها انسان شرقی فقط کشتار دسته جمعی را "تلفات تراژیک" خوانده از انجام بیرحمانه ی آن صرفاً با اظهار

"تأسف"، افتخار همدردی و غم شریکی به خانواده های مقتولین می بخشد. در کشور این جنایتکار حرفه ای، هرگاه یک هم نژادش حین عبور از سرک با کدام موتوری تصادم کند و صدمه ی جزئی بوی برسد، خانواده مصدوم طرف را "سو" نموده چندین هزار دالر و یا بالاتر از آن (میلیون دالر) بخاطر ترسیدن و صدمه دیدن از شرکت بیمه دریافت می کند. صرف نظر از اینکه شرکت بیمه چندین هزار دالرتا چند صد هزار دالر صرف تداوی وی می نماید. حال حیات یک افغان که کشورش اشغال شده، هست و بودش نابود گردیده، و ثروتهای مادی و معنوی وطنش راقاتلین به تاراج برده و می برند؛ ارزش آن سگ و پشک را هم برای این جنایتکاران ندارد.

نگ بر ژورنالیستان به اصطلاح آزاد افغانستان که این رخداد خونین و فاجعه مدهش انسانی را که توسط امپریالیزم بوقوع پیوسته، تحریف و تطهیر میکنند. و توجه مردم، یعنی خشم و کین و نفرت و نیروی آنانرا به مسئله دومی ("گرفتن غرامات تجاوز و تخریب و کشتار مردم ما از جنایتکاران روسی به افغانستان") معطوف میدارند.

یکی از ویژه گی های استعمار و امپریالیزم این است که در آغاز تجاوز به کشور مورد نظر، بفکر این می افتد: مبدا استحکامات امنیتی داخل کشور صدمه ببیند. بنابراین در همان گام نخست تجاوز به تسخیر آن اقدام می نماید؛ زیرا بخوبی آگاهست که مبارزان و آزادیخواهان آنکشور در برابر قوای آن ایستادگی می نمایند و بایست سر آنان زیر بال شان گردد و یا در زندان ها با غل و زنجیر بسته شوند. امپریالیزم کارکشته امریکا هم بمجردی تجاوز به کابل زندان پلچرخ را تسخیر نمود. مدتی از تجاوز سپری نشده بود که نیروی های اشغالگرش دست به ترمیم شکست و ریخت آن زندان مخوف و معروف زد. این قلم در صفحه 51 نوشته اش «پاره ای از عملکرد های های گذشته سازمان سیا در امریکای لاتین و گوشه ای از کار کرد های این سازمان در افغانستان» مورخ 14 جنوری 2009 | مندرجه سایت های وزین "پیام آزادی" و "بسا" [در همین باره چنین نوشته:

«خلق شریف و آزادیخواه افغانستان در درازنای تاریخ پر افتخارش در برابر تجاوز آرام نه نشسته اند. از یکسال بدینسو خیزشهای خود انگیزه ای در برابر اشغالگران "ناتو" و ارتش نهایت بی رحم و بی پروای امپریالیزم امریکا در کشور به نظر می رسد. شاهد این مدعا توسعه شتابزده زندان ها به خصوص زندان پلچرخ توسط امپریالیزم امریکا [که یک باربا مصرف (هزینه) یازده (۱۱) میلیون دالرامریکایی بلاک چهار آنرا مطابق معیار های مدرن بازسازی نمود. و بار دیگر با مصرف هفده (۱۷) میلیون دالر دیگر، بخشی جدیدی در داخل چهار دیواری این زندان وسیع الساحه اعمار کرده که با مدرنترین آلات و ادوات حفاظتی و... مجهز بوده و بیش از ۳۰۰ سلول دارد. این امر ازدیاد زندانیان سیاسی در زندان بزرگ پلچرخ را به روشنی نشان میدهد] همچنان اعتصابات و واکنشهای زندانیان در برابر زندانبانان وطن فروش تا سر حد اشغال زندان و برخورد باجلادان و دژخیمان نیرو های ائتلاف شمال به ریاست جنرال سلام بخشی [که مربوط جبهه متحد سمت شمال

است] ، که سازمان سیا امریکا با خرید شمارمهمی از این جاسوسان و قاتلین حرفه‌ی‌ی‌ خاد ، آنان را اختیار دار عام و تام تمام زندان‌ها به خصوص زندان مخوف پلچرخ‌ی ساخته است . [غلام سرور آرزو که از نوشته اش پیداست ، خود از زمره خادی‌های مهم بوده و از موضع نجیب و خاد در برابر سیستمی در "شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان " بدفاع برخاسته و سیستمی را عضو مهم کی جی بی خوانده ؛ در رابطه با ترکیب خاد کنونی کرزی چنین نوشته "اقای سیستمی تلاش دارند تا قبل از افشای خود وجلوگیری از آن در تلاش محکمه همه کارمندان خاد و واد افتاده که امروز ۷۰ فیصد اپرات .کادر ها و آمرین ارشد امنیت ملی کرزی را همان کارمندان رشید . صادق . وطن پرست تشکیل داده که خود زنگ خطر برای سیستمی ها ... میباشد" [تشریح شگرد ها ، ترفند ها و میتود ها ی خادی‌ها که بر زندان‌ها ؛ چون دوران اشغال کشور توسط ارتش خون آشام روس، (به مفهوم تحت نظر مستقیم سیا) حاکم اند. و به خاطر کسب امتیازات نظامی ، سیاسی و اقتصادی برای امپریالیزم روس ؛ همچنان تأمین منافع خود، خوش رقصی‌هایی در برابر امریکایی‌ها انجام می دهند و از هیچگونه شقاوت و پستی و جنایت ، بر ضد مردم و منافع آنان دریغ نمی ورزند ؛ »

در این اواخر سر و صدای تحویل دهی زندان جدید در بگرام بگوش می رسد . روز شنبه خبری پخش شد مبنی بر اینکه : مقام‌های وزارت دفاع دولت دست نشانده امریکا در کابل تفاهمنامه تحویل گرفتن این زندان را امضا کردند و گزارش‌ها نشان می‌دهد که براساس توافق دوطرف این زندان که بیش از 750 متهم از جمله 30 خارجی را در خود جای داده است تا چند ماه آینده به نیروهای افغان تحویل داده می‌شود. در همین رابطه به نوشته ی فرزین تکلو – برگرفته از نشریه اشپیگل آلمانی – در زیر توجه نمائیم :

« معمایی به نام بگرام »

« نویسنده: فرزین تکلو

برگرفته از: اشپیگل

اگرچه باراک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده به صراحت از سوءاستفاده ماموران سیا از زندانیان محبوس در گوانتانامو انتقاد کرده و خواستار تعطیلی این زندان شده لیکن چشمان خود را به روی زندان نظامی بگرام در افغانستان بسته است. براساس پاره ای گمانه زنی‌ها حدود 600 زندانی بدون آن که با هیچ اتهامی مواجه باشند یا در دادگاهی محاکمه شده باشند در این زندان تحت بازداشت هستند. وضعیت بگرام به گونه ای است که گوانتانامو در قیاس با آن به «هتلی مجلل» می ماند.

روزی که ریموند آذر به زور به بگرام برده شد کابل، پایتخت افغانستان روزی آرام را به شب رساند. هیچ حمله ای آن روز صورت نگرفت و خورشید در میانه آسمان می درخشید. آذر که در واقع لبنانی تبار است مدیریت یک شرکت ساختمان سازی را بر عهده دارد. او در راه کمپ اگرز، از پایگاه های ارتش ایالات متحده در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری افغانستان بود که (او را محاصره کردند. FBI گروهی 10 نفره از ماموران دایره تحقیقات جنایی پلیس فدرال آمریکا) اعضای این گروه که جلیقه های ضدگلوله به تن داشتند به او دستبند زده و به درون یک دستگاه خودروی شاسی بلند هدایتش کردند.

حدود 2 ساعت بعد بود که آذر را در بازداشتگاهی که در داخل فرودگاه بگرام به فاصله 50 کیلومتری شمال شرق کابل احداث شده است از خودرو پیاده کردند. او را در حالی که دست و پاهایش را به یک صندلی زنجیر کرده بودند به مدت 7 سال [7 ساعت] در انتظار نگاه داشتند. شب را در یک کانیتنر فلزی سرد گذراند و به مدت 30 ساعت از غذا محروم بود. آذر ادعا دارد بازجویان آمریکایی عکس هایی از همسر و 4 فرزندش به او نشان داده و اصرار داشتند اگر به حد کافی همکاری نکند دیگر هرگز آنها را نخواهد دید. همچنین ادعا دارد از او وقتی برهنه بوده، تصویربرداری شده و سپس چند لباس سبک در اختیارش گذاشته شده بود. روزی که آذر دستگیر شد یعنی - 7 آوریل سال 2009 میلادی - دقیقا 77 روز از تحلیف باراک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده می گذشت. اوباما به فاصله اندکی پس از راهیابی به کاخ سفید دستور تعطیلی بازداشتگاه دلتا در خلیج گوانتانامو کوبا را صادر کرد و به سیا دستور داد بازداشتگاه های مخفیانه اش را تعطیل کند.

اوباما با این دستور قصد داشت روی میراث سیاه بر جای مانده از دوران زمامداری جورج بوش، سلفش پرده ای بکشد. او با این کار می خواست نشان دهد در دوران او خبری از شکنجه و ربوده شدن مظنونان تروریستی، بازداشتگاه های مخفیانه و اقدامات خودسرانه نخواهد بود. اینها وعده هایی بود که اوباما در جریان رقابت های انتخاباتی اش مطرح کرده بود اما او در هیچ کس [هیچ یک] از نطق هایش به بگرام اشاره نکرده بود.

آذر برای انجام امور کاری به کابل سفر کرده بود. شرکت تحت مدیریت او قراردادهایی به ارزش 50 میلیون دلار برای انجام کارهای ساختمانی با پنتاگون به امضا رسانده بود. او را روز 8 آوریل سوار بر جتی کوچک به ایالت ویرجینیا در شرق ایالات متحده منتقل کردند تا تحت محاکمه قرار گیرد. اتهام او پرداخت رشوه برای عقد قرارداد با پنتاگون بود و دادگاه مدتی بعد او را مجرم شناخت. حتی در صورت درست بودن اتهام پرداخت رشوه هم آذر مرتکب جرمی شده بود که به طور طبیعی نباید به بازداشتگاهی نظامی فرستاده می شد. مشخص نبود چرا آذر به بگرام منتقل شده بود، با او چون مظنون تروریستی رفتار شده و در نهایت برای پشت سر گذاشتن دوران محکومیتش زندانی نظامی فرستاده شده بود.

اگوئن فیل، از کارشناسان حقوق نظامی در آمریکا و استاد دانشگاه ییل می گوید: بگرام، گوانتاناموی دوم است. او می افزاید: با این حال به نظر می رسد وجود چنین جایی حتی در دوران اوباما همچنان ضروری است.

بگرام از همان بدو شکل گیری جایی به مرتب [مراتب] بدتر از گوانتانامو بود تا جایی که وکلای آمریکایی ترجیح می دهند از آن تحت عنوان سلول شکنجه یاد کنند. با این وجود اوباما چشمان خود را به روی این زندان بسته است. او هیچ گاه در نطق هایش از بگرام یاد نمی کند و وقتی سخن از سوءرفتار با زندانیان در زندان های سیا به میان می آید فقط از گوانتانامو می گوید.

موقعیت طبقه بندی شده

بازداشتگاه بگرام که در حال حاضر بزرگ ترین زندان آمریکا در خارج از قلمرو این کشور است روی هیچ نقشه ای مشخص نشده است. در واقع محل دقیق این بازداشتگاه که در داخل پایگاه هوایی وسیع بگرام احداث شده است سری تلقی می شود.

براساس یکی از تحقیقات داخلی ارتش آمریکا پیرامون زندان ابوغریب شیوه های شکنجه در این زندان از بگرام الگوبرداری شده بود این بازداشتگاه متشکل از دو ساختمان خاکی رنگ است که در ظاهر شباهت زیادی به آشیانه های هواپیما دارند و گرداگردش را دیوارهای سیمانی بلند پوشانده اند. این مجموعه در سال 2002 میلادی به عنوان بازداشتگاهی موقت ساخته شد.

امروزه در داخل ساختمان ها قفس های فلزی بزرگ که هر یک گنجایش 25 تا 30 زندانی را دارند تعبیه شده است. بگرام در هر مقطع زمانی حداکثر تا هزار زندانی را می تواند در خود جای دهد. زندانی ها شب ها را بر روی پتوهایی کثیف به صبح می رسانند و در هر قفس توالتی در پشت پرده ای سفید تعبیه شده است.

مجموعه ای تکمیلی و جدید با بودجه ای بالغ بر 60 میلیون دلار در بگرام در دست احداث است که تا پایان سال جاری میلادی مورد بهره برداری قرار می گیرد. بگرام بر خلاف گوانتانامو در منطقه جنگی افغانستان قرار گرفته است با این حال همه کسانی که به این زندان منتقل می شوند در مناطق درگیری بازداشت نشده اند.

بسیاری از زندانیان ملیت غیرافغانی دارند و برای بازجویی به بگرام منتقل شده اند. پس از آغاز بهره برداری از این زندان همه کسانی که به آن منتقل می شدند در زمره «جنگجویان متخاصم» و نه «زندانی جنگی» دسته بندی می شدند. آمریکایی ها به همین دلیل معتقد بودند افراد تحت بازداشت در بگرام مشمول کنوانسیون ژنو نمی شوند.

سلول شکنجه

استفاده از شیوه های خشونت آمیز اعتراف گیری در بگرام به امری متعارف تبدیل شده است.

زندانیان آزاد شده این بازداشتگاه از رواج محرومیت از خواب، ضرب و شتم و اشکال مختلف تحقیر جنسی در آن می گویند.

عمر پدر، شهروند کانادایی افغان تبار وقتی به بگرام منتقل شد تنها 15 سال داشت. او می گوید دژبان های نظامی که مسوولیت حفاظت از این زندان را بر عهده دارند روی زمین سیمانی زندان روغن سوخته خودرو می ریختند و او را وادار می کردند در آن بغلتد. حداقل 2 زندانی بگرام در دوران بازداشت جان باخته اند. یکی از آنها راننده تاکسی 22 ساله ای به نام دلاور بود که به مدت 4 روز با بستن دست هایش از سقف آویزان شده بود. در این مدت بازجویان آنقدر با باتوم به پاهای او زده بودند که در پزشکی قانونی علت مرگ او را له شدن نسوج ماهیچه های پا عنوان شده بود. آنچه بازجویان دلاور نمی دانستند این بود که هیچ سند و مدرکی علیه او وجود نداشت.

براساس یکی از تحقیقات داخلی ارتش آمریکا پیرامون سوءرفتار بازجویان آمریکایی با زندانیان عراقی در بند در زندان ابوغریب که پس از انتشار در سال 2004 میلادی خشم جهانی را برانگیخت شیوه هایی که در این زندان مورد استفاده قرار می گرفت از بگرام الگوبرداری شده بود. تا این مقطع هنوز هیچ تصویری از داخل بگرام منتشر نشده، به هیچ خبرنگاری اجازه داده نشده از داخل این بازداشتگاه بازدید کند و هیچ کسی از تعداد دقیق زندانیان محبوس در این بازداشتگاه اطلاعی ندارد. اینها همه دست به دست هم داده اند تا بگرام از مخوف ترین زندان های آمریکا باشد. فرزین تکلو»

و حال به عنوان زیر توجه نمائیم :

«ویرانی زندان مخوف بگرام، جهت ناپدید کردن اسناد های تعذیب زندانیان

شنبه 2 ژانویه 2010 - 12 دی 1388 - 04:01:35 به وقت تهران

زندان بگرام در شمال کابل، یکی از زندانی مخوف آمریکایی ها در افغانستان است. این زندان در حقیقت زندان گوانتانامو در افغانستان است که، جهت به زندان افگندن مخالفان آمریکایی ها اشغالگر احداث گردیده است.

به گزارش پایگاه المختصر، آمریکایی ها اراده دارند که این زندان را ویران نمایند و همه اوراق و اسناد آن را ناپدید کنند تا همه وقایع تعذیب مختفی گردد.

رمزی قاسم یکی از وکلای مدافع زندانیان این زندان به خبرگزاری (اسوشیتید پرس) گفته است که آمریکایی ها این زندان را ویران می نمایند و هدف از این ویرانی در حقیقت، متلاشی ساختن اسناد ووثایقی است که نشاندهنده حوادث تعذیب زندانیان است.

وزارت جنگ امریکا، نیز اعلام داشته است که به تاریخ نزده جنوری سال جاری زندانیان بگرام به زندانی جدیدی که جدیداً اعمار گردیده است نقل داده می شوند. منبع: [المختصر](#)»

«آمریکا،

[گوانتاناموی افغانستان را تحویل می دهد](#)

[آسیا - گروه بین الملل](#) :

دولت افغانستان 20 دی به طور رسمی اعلام کرد که به زودی زندان نظامی بگرام را از نیروهای آمریکایی تحویل می گیرد؛ زندانی که بسیاری آن را معادل زندان های مخوف گوانتانامو در کوبا و ابوغریب در عراق می دانند .

روز شنبه مقام های وزارت دفاع افغانستان تفاهمنامه تحویل گرفتن این زندان را امضا کردند و گزارش ها نشان می دهد که براساس توافق دوطرف این زندان که بیش از 750 متهم از جمله 30 خارجی را در خود جای داده است تا چند ماه آینده به نیروهای افغان تحویل داده می شود.

دولت افغانستان 20 دی در بیانیه ای اعلام کرد که وزارت دفاع این کشور به زودی کار آموزش واحدی ویژه را برای برعهده گرفتن مسئولیت این زندان آغاز می کند. این زندان پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال 2001 و در پایگاه بزرگ نظامی بگرام تشکیل شد و پس از مدت کوتاهی انتشار اسناد بدرفتاری و شکنجه زندانی های آن باعث انتقاد شدید مدافعان حقوق بشر از نیروهای آمریکایی شد .

نخستین رسوایی نیروهای آمریکایی در این زندان در سال 2002 توسط رسانه ها افشا شد. 2 زندانی افغان این زندان بر اثر شکنجه های نیروهای آمریکایی و تشنگی و گرسنگی کشته شدند که باعث شد شکایت هایی علیه برخی از مسئولان این زندان مطرح شود.

زندانی های بگرام در واقع از سوی آمریکایی ها اسیران جنگی قلمداد می شوند که در صحنه نبرد دستگیر شده اند و حق داشتن وکیل مدافع ندارند. بازداشت شدگان در این زندان حتی اتهام خود را نمی دانند و بدون محاکمه سال هاست که در زندان به سر می برند.

سال گذشته با انتقادهای شدید بین المللی سرانجام آمریکا اعلام کرد که زندانی های بگرام تنها می توانند با نمایندگانی نظامی که وکیل نیستند در مورد اتهام های خود مشاوری کنند. 2 ماه قبل بود که زندانی جدید که بازداشتگاه پروان نامیده می شود با هزینه 60 میلیون دلار جایگزین زندان پیشین بگرام شد.

حامد کرزی، رئیس‌جمهوری افغانستان با اعلام اینکه بازداشت افراد توسط نیروهای خارجی در خاک این کشور باید پایان ببذیرد بارها خواستار تحویل این زندان به دولت این کشور شده بود.

وزارت دفاع افغانستان با اشاره به همین موضوع اعلام کرد که تحویل این زندان یک گام مهم به سوی گسترش حاکمیت ملی افغانستان به حساب می‌آید. ژنرال محمد ظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع افغانستان 20 دی اعلام کرد که نیروهای افغان می‌توانند در عرض 6 ماه کنترل این زندان را بر عهده بگیرند. گفته می‌شود وزارت دفاع به‌صورت موقت مسئولیت این زندان را بر عهده می‌گیرد اما در نهایت مدیریت و اداره این زندان زیر نظر وزارت دادگستری افغانستان قرار خواهد گرفت.

در ماه نوامبر همزمان با افتتاح زندان جدید بگرام، خبرنگاران رسانه‌ها برای نخستین بار اجازه یافتند از این زندان بازدید کنند. در حالی که گمانه‌زنی‌هایی درباره امکان تعطیلی زندان‌های جنجالی آمریکا از جمله گوانتانامو وجود دارد اما تاکنون خبری از تلاش برای تعطیلی این زندان منتشر نشده است.

سازمان‌های حقوق بشر افتتاح زندان جدید بگرام را با هزینه‌ای هنگفت تنها تلاشی برای مخفی کردن بدرفتاری نیروهای آمریکایی می‌دانند. به گفته این سازمان‌ها، هرچند محل بازداشت زندانیان بگرام تغییر کرده است اما شرایط حقوقی آنها تفاوتی با گذشته ندارد.

به گفته سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، هنوز هم هیچ وکیل قانونی اجازه حضور در این زندان را نیافته است و خبری از اجرای قانون در این زندان نیست. دولت آمریکا حتی تاکنون فهرست زندانی‌های بگرام را منتشر نکرده و پاسخی به سازمان‌های حقوق بشر در این رابطه نداده است.

پایگاه نظامی بگرام اکنون با صرف صدها میلیون دلار از سوی دولت آمریکا تبدیل به شهری با مساحتی بیش از 2 هزار هکتار شده است. واشنگتن قصد دارد پایگاه نظامی خود را برای حضور 30 هزار نیروی نظامی جدید گسترش دهد.

قرار است به‌زودی فرودگاه جدید این پایگاه افتتاح شود که قابلیت فرود غول‌پیکرترین هواپیماهای باری جهان را دارد. بسیاری عقیده دارند اکنون پس از بیش از 8 سال نوبت دولت افغانستان است که با مقابله با فعالیت غیرقانونی آمریکایی‌ها در این زندان، حاکمیت خود را در این کشور نشان دهد و حداقل حقوق قانونی زندانی‌های بگرام را برای محاکمه و دفاع از خود تامین کند. »



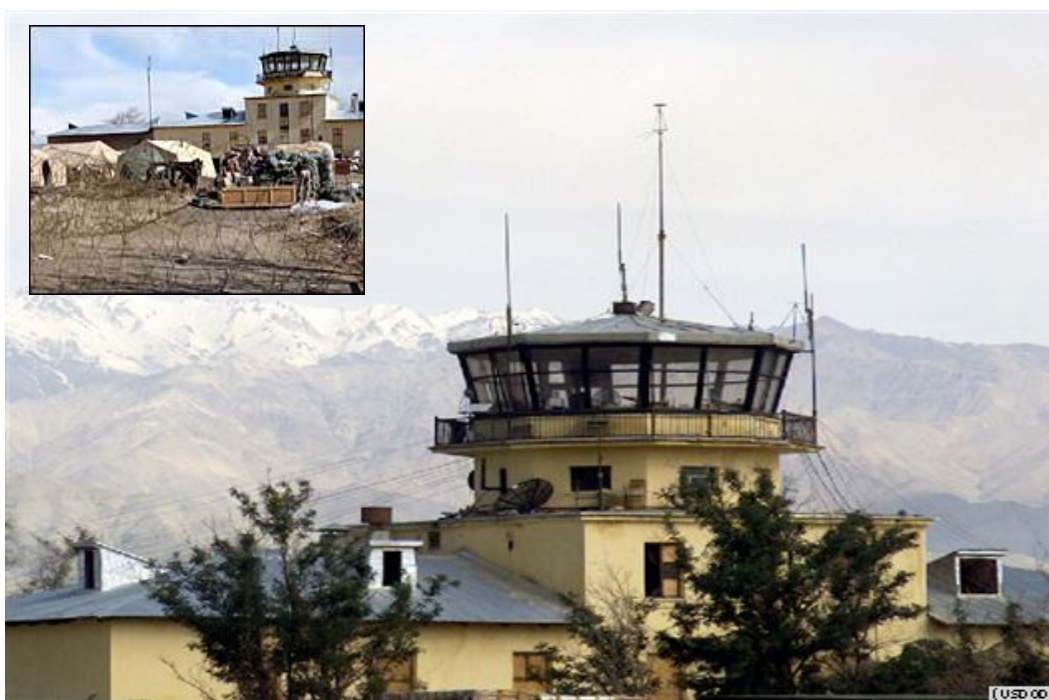
مایکل مولن رئیس ستاد مشترک امریکا
(جلاد مردم افغانستان)



یک افغان مزدور که برای کشتار مردمش
توسط اشغالگران مسلح شده



آیا این نقشه اصلی زندان است ؟



برج دیده بانی زندان بگرام



نمای از میدان هوایی بگرام



برجهای مراقب زندان جدید میدان هوایی بگرام (بارنگ سیاه مانع دیدن داخل زندان شده اند)



نمای بیرونی زندان جدی



داخل سلول



نمای از دروازه های قفس های اصلی



درون قفس



دروازه قفس بطرف دست چپ سرباز



نمای بالایی قفس ها که توسط کمره های نامرئی تمام حرکات زندانیان تحت نظر گرفته میشود



یک پایه میز و چوکی که کمره در بالای آن نصب شده در برابر دروازه هر قفس دیده میشود .



به امر سرباز ، زندانی از دریچه گک بالایی دروازه کوتاه قفلی هردودست اشرا بیرون میکند تا سرباز به آن الچک بزند . بعد از آن دروازه کوتاه قفلی باز شده زندانی به دهلیز کشیده میشود



برج مراقبت زندان بگرام





هموطن! بنگر که جنایتکاران اشغالگر با همین سلاح مردم و سرزمینت را نابود میکنند
و برای زندان می سازند تا آواز اعتراض را در آنجا خفه نمایند



طرف چپ زندان حلقوی پلچرخی "بلاک ۱" در بالا، و "بلاک ۲" در پایین دیده میشود. به طرف راست آن
زندان جدید که توسط قوای اشغالگر امریکا ساخته شده، مشاهده میشود. در جوار آن گوشه بالایی
"بلاک ۴" که بخش قبلاً اعمار شده ی زندان است و در گذشته بنام "بلاک ۴ جنایی" یاد می شد، دیده میشود



ننگ و نفرین بر آنانی باد که اشغال کشور توسط امپریالیسم جنایتکار آمریکا و اجنت (سیا) اش حامد کرزی را تأیید مینمایند و به "کمک" های آمریکا و "بازسازی افغانستان" مردمی در حال خیزش را فریب می دهند و در مدح و ثنای نماینده آن (اوباما) گلو پاره میکنند!

Greetings from Afghanistan



« قلعه اختارالدین » در شهر هرات قرار دارد [عساکر هندی انگلیس با تفنگ هاوسرنیزه هایشان دیده میشوند] عکس در سال [1880] عیسوی برداشته شده ، محله ای که قلعه در آن واقع شده بنام "پای حصار" یاد میگردد و در مرکز شهر قرار دارد. (توضیح : کبیر توخی- فبروری 2010)

قوای ارتش سرخ سوسیال امپریالیزم شوروی را خلق های باغیرت، دلاور و آزادیخواه افغانستان با جنگ مسلحانه سر افکنده از کشور بیرون راند. به امپریالیزم جنایتکار امریکا و شرکایش باید حالی کرد که روزی به این عکس [که عساکر کشته شده وساز و برگی هم پاشیده و سرباز سرافکنده روسی را نشان میدهد] و عکس بالا [که تسخیر قلعه اختیار الدین در مرکز هرات توسط قوای انگلیس را در 130 پیش به نمایش میگذارد] فوتوی شکست ارتش جنایتکار و تاراجگرش به نمایش گذاشته خواهد شد. (ک. توخی)



برای شکل گیری متن بالا و فوتو ها از منابع زیر استفاده شده است :

- 1- سایت جام جمع
 - 2- سایت همشهری آنلاین
 - 3- سایت خبر آنلاین
 - 4- نگاشته این قلم « پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان سیا در امریکای لاتین و گوشه ای از کارکرد های آن سازمان در افغانستان »
بازتاب یافته در سایت های وزین " پیام آزادی " و " بابا " .
- *- برخی از سایت های دیگر